

بررسی نگرش، آگاهی و عملکرد پرستاران نسبت به پیوند اعضا در بیمارستان دکتر مسیح دانشوری در سال ۱۳۸۸

الهام قازانچایی^۱، رحیم روزبهانی^۱، لیلا سلیمی نژاد^۲، بهشته جبلی^{۳*}

- (۱) مرکز تحقیقات بیماری‌های مزمن تنفسی، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران
- (۲) مرکز تحقیقات پیوند ریه، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران
- (۳) مرکز تحقیقات سل بالینی و اپیدمیولوژی، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ریوی بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده:

مساله اهدای عضو در دنیا روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. آگاهی و نگرش نسبت به این موضوع از جانب کادر درمانی، بویژه پرستاران، مورد توجه بوده و انگیزه مثبت در این گروه می‌تواند در رسیدن به این هدف بسیار کمک کننده باشد. هدف این مطالعه بررسی نگرش، آگاهی و عملکرد پرسنل پرستاری نسبت به پیوند اعضا در بیمارستان دکتر مسیح دانشوری می‌باشد.

این مطالعه از نوع توصیفی بوده و نظرات ۶۶ نفر از پرستاران شاغل در بخش‌های مختلف بیمارستان که دارای حداقل یک سال سابقه کار در این بیمارستان بوده‌اند را مورد بررسی قرار داده است. انتخاب افراد به روش نمونه‌گیری تصادفی بود. نگرش، آگاهی و عملکرد پرستاران به وسیله پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات مربوط به نگرش، آگاهی و عملکرد پرستاران نسبت به پیوند اعضا بوده است که اعتبار آن به وسیله اعتبار محتوا و پایایی آن به وسیله آزمون مجدد تعیین گردید. نتایج با کمک نرم‌افزار آماری SPSS (Ver. 16) و از طریق آزمون‌های آماری و آمار توصیفی شامل جداول توزیع فراوانی مطلق، نسبی و میانگین و انحراف معیار مورد بررسی قرار گرفت.

اکثریت افراد مورد پژوهش در محدوده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال (۷۴/۲٪ زن و ۲۵/۸٪ مرد) بودند. نتایج نشان داد بین سن پرستاران و تاثیر مسائل روحی و روانی در روند کاری مراقبت از بیمار مرگ مغزی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که دیدگاه ۱۲/۳٪ از پرستاران مورد مطالعه در خصوص پیوند اعضا مخالف، ۱۷/۶٪ کاملاً موافق، ۵۴/۷٪ موافق مبنی بر بهبود شرایط و ۱۵/۴٪ بی‌تفاوت بوده‌اند. ۹۲/۴٪ در این مطالعه هیچ دوره آموزشی را در مورد پیوند نگذرانده بودند.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که درصد بیشتری از پرستاران دارای عدم آگاهی نسبت به پیوند اعضا بوده و از آنجایی که گذراندن دوره های آموزشی و ایجاد آگاهی می‌تواند به میزان بالایی در نگرش مثبت آنها موثر باشد، بنابراین افزایش آگاهی پرستاران در کنار بهبود شرایط می‌تواند در جهت بهبود مراقبت از بیمار پیوندی حائز اهمیت گردد.

واژگان کلیدی: پیوند اعضا، پرستار، آگاهی و نگرش، بیمارستان

* نویسنده مسئول:

بهشته جبلی، مرکز تحقیقات سل بالینی و اپیدمیولوژی، پژوهشکده سل و بیماری‌های ریوی، بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، دارآباد، نیاوران، تهران، ایران، کد پستی: ۱۹۵۶۹-۴۴۴۱۳، پست الکترونیک: Sam_jeb@yahoo.com

مقدمه:

از زمان‌های بسیار دور اندیشه جایگزینی و پیوند اعضا به وسیله اشیا و اعضای مصنوعی یا عضو طبیعی سالم انسان‌های تازه گذشته وجود داشته است و آثار بجا مانده از آن دوران‌ها این امر را به اثبات می‌رساند. در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های بسیاری در زمینه علم پزشکی صورت گرفته است [۱]. عواملی نظیر باورهای اجتماعی، اعتقادات مذهبی و سطح آگاهی و نگرش افراد بر میزان اهدا موثر می‌باشد. افزایش آگاهی و نگرش جامعه با هدف تغییر باورهای نادرست می‌تواند در افزایش اهدای اعضا و نسوج پس از مرگ موثر باشد [۲].

فراوانی پیوند اعضا به خصوص در آمریکا و اروپا در سه دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته است. مثلاً در آمریکا پیوند قلب به میزان حدوداً ۱۰/۸٪ بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ افزایش داشته است [۳]. یکی از بزرگترین برنامه‌های اهدا عضو در جهان در کشور چین انجام می‌گیرد به نحوی که در سال ۲۰۰۴ در این کشور ۱۳۰۰۰ هزار مورد پیوند عضو صورت گرفته است و این مقدار رو به رشد است [۴]. در انگلستان نشان داده شده است که در سال ۲۰۰۴، ۶۶۷ نفر دهنده عضو بودند که ۲۰۵۵ نفر موفق به دریافت عضو گردیده و ۵۶۱۵ نفر همچنان در انتظار اهدا عضو بوده‌اند [۵]. بررسی‌ها نشان داده است که در ایران تنها نیمی از پزشکان درباره اهدای عضو و قوانین مربوط به آن آگاهی کافی داشته‌اند و بین آگاهی و نگرش مثبت آنها نسبت به اهدای عضو رابطه معناداری وجود داشته است ($P < 0/001$) [۶]. همچنین آگاهی و نگرش مثبت پزشکان و پرستاران بخش‌های مختلف مراقبت ویژه در اعتماد به نفس آنها در جلب رضایت اطرافیان مبتلا به مرگ مغزی و موفقیت ارتباط با آنها موثر بوده است [۷].

آمارهای پیوند عضو که برگرفته از وب سایت CORE^۱ می‌باشد، نشان‌دهنده این حقیقت آماری است که در سراسر کشور آمریکا بیشتر از ۷۳۰۰۰ نفر منتظر پیوند هستند و ۱۶ نفر هر روزه بدون آنکه عضوی دریافت کنند می‌میرند [۸].

کلیه، کبد، قلب و گوش اعضای هستند که بیشترین تقاضا و درخواست برای پیوند عضو را شامل می‌شوند.

در سطح کشور آمریکا، تعداد زیادی مرد، زن، کودک منتظر اهدای عضو هستند. لیست انتظار سه مرتبه بیش از میزان خود عمل اهدای عضو رشد می‌کند. تعداد اعضا پیوند شده هر فرد دهنده عضو، معیار مهمی است که نمایانگر موفقیت کلی اعضا گروه پیوند بیمارستان و برنامه انجام شده پیوند عضو و سازمان فراهم کننده اعضا^۲ OPO می‌باشد که بصورت گروهی در مورد فراهم کردن اعضای پیوندی همکاری می‌کنند. از آنجایی که اکثر اهدا کنندگان احتمالی عضو بیمارانی هستند که در بخش ICU بستری می‌باشند، پرسنل این بخش (مانند پزشکان، پرستاران و ...) نقش کلیدی در کنترل بهینه اهدا کنندگان عضو و افزایش تعداد اعضا پیوندی به عهده دارند [۹].

قبل از انجام اهدای عضو باید از بیمار و خانواده بیمار مطابقت اولیه جهت اهدا عضو انجام شود. مطالعات منتشر شده حاکی از آن است که بعضی عوامل در فرآیند پیوند عضو با میزان بالاتر رضایت‌مندی در ارتباط هستند. این عوامل شامل صرف زمان برای صحبت با خانواده فرد متوفی برای بحث و صحبت در مورد شرایط بیمار و درگیر کردن اعضا سازمان فراهم کننده اعضا در این بحث‌ها و پیش‌بینی و برآوردن خواسته فرد دهنده در زمان مرگ می‌باشد. بنابراین پرسنل بخش ویژه باید قبل از هر بحث درباره اهدا عضو با خانواده اهدا کننده و تدوین برنامه مشترک جهت افزایش هر چه بیشتر تطابق عضو دهنده با رعایت دقیق و کامل شرایط خاص هر دهنده عضو با پرسنل OPO به راحتی ارتباط داشته باشند [۹].

اکثریت کارکنان بخش درمانی از آگاهی و دانش متوسط در مورد پیوند اعضا و اهدای عضو برخوردار می‌باشند. افزایش میزان اطلاعات باعث افزایش آگاهی افراد در مورد معیارهای پیوند اعضا و اهدای عضو و ارتباط با گیرندگان عضو در بخش مورد اشتغال بوده است.

اشتغال در بخش‌های خاص نظیر بخش داخلی که با گیرندگان عضو (قبل از دریافت عضو) در ارتباط کمی بین کارکنان و بیماران وجود دارد، نگرش منفی بصورت بارزتری مشاهده گردیده است. بنابراین افزایش تجربه کاری و ارتباط با گیرندگان عضو قبل و بعد از دریافت

^۱ Center for Organ Recovery & Education

^۲ Organ Procurement Organizations

پرسشنامه مجدداً تکمیل شد که پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از آزمون پیرسون مشخص شد که ضریب همبستگی کل سوالات ۰/۸۱ می‌باشد. لذا پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. لازم به ذکر است که این تعداد از پرستاران از نمونه پژوهش حذف شدند. سوالات پرسشنامه از طریق مصاحبه حضوری توسط پژوهشگران تکمیل شد. افراد جهت پاسخگویی به سوالات پرسشنامه رضایت کامل داشتند و به آنها در مورد محرمانه ماندن اطلاعات اطمینان داده شد. اطلاعات به دست آمده با نرم افزار SPSS 16 و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون کای دو با سطح معنی‌دار کمتر از ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج:

در این مطالعه ۶۶ نفر از پرستاران بیمارستان دکتر مسیح دانشوری شرکت داشتند که متوسط سن ۲۹/۲۱ سال (انحراف معیار ۴/۲)، کمترین سن ۲۰ سال و بیشترین سن ۵۰ سال بوده است. از بین این افراد ۷۴/۲٪ آنان زن و ۲۵/۸٪ مرد، ۳۳/۳٪ مجرد و ۶۶/۷٪ متأهل بودند که هیچکدام از افراد، مطلقه و همسر مرده نبودند. ۹۸/۵٪ این افراد تحصیلات کارشناسی و ۱/۵٪ کارشناسی ارشد داشتند. ۵۳٪ این افراد فارس و ۴۷٪ غیر فارس و همچنین ۹۸/۵٪ شیعه و ۱/۵٪ غیر شیعه بودند. تمامی شرکت کنندگان سمت پرستاری داشتند. میانگین سابقه کار ایشان ۶ سال (انحراف معیار ۳/۲۷) و کمترین و بیشترین سابقه کارشان به ترتیب یک و ۱۶ سال بود. همچنین میانگین سابقه کارشان در بخش پیوند یک سال (انحراف معیار ۱) و بیشترین میزان کار در بخش پیوند ۶ سال بدست آمد. ۶۳/۵٪ پرستاران این مطالعه هیچ سابقه کاری در بخش پیوند نداشتند. ۳۷/۹٪ در بخش ICU، ۹/۱٪ در بخش جراحی، ۱/۵٪ در بخش پیوند، ۷/۱۶٪ در بخش CCU، ۵/۴٪ در بخش داخلی، ۱/۵٪ در دیالیز، ۳٪ در اورژانس و ۳۴٪ در سایر بخش‌ها (کنترل درد، اطفال، TB، انکولوژی) به کار مشغول بودند. نتایج نشان داد که ۲۱/۲٪ از پاسخ دهندگان با پیوند اعضا بیماران مرگ مغزی در دوره لیسانس آشنا شده بودند درحالیکه ۷۸/۸٪ در دوره لیسانس هیچ آموزشی ندیده بودند. ۷۱/۲٪ هیچ آموزشی را در رابطه با پیوند اعضا نه تنها در دانشگاه، بلکه در خارج از دانشگاه و

عضو می‌تواند از طریق افزایش آگاهی، نگرش مثبت را در بین کارکنان تقویت نماید [۱۰]. از آنجا که عدم آگاهی و وجود نگرش منفی نسبی به اهدای عضو در پرسنل درمانی می‌تواند منجر به اختلال در عملکرد آنان و در نتیجه به خطر انداختن سلامت فرد و حتی جامعه شود، لذا هدف این مقاله بررسی نگرش و آگاهی و عملکرد پرستاران نسبت به پیوند اعضا در بیمارستان دکتر مسیح دانشوری، که یکی از مراکز بزرگ پیوند اعضا به خصوص در زمینه قلب و ریه می‌باشد، در نیمه اول سال ۱۳۸۸ است.

مواد و روش‌ها:

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی است. جامعه مورد بررسی شامل پرستاران شاغل در بیمارستان دکتر مسیح دانشوری بوده که حداقل یک سال سابقه کار در بیمارستان را داشته باشند. تعداد نمونه بر اساس پایلوت انجام گرفته ۶۶ نفر) محاسبه شد. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی بود به این صورت که پژوهشگر با مراجعه به بخش‌های مختلف بیمارستان پرسشنامه را در اختیار پرستاران قرار می‌داد و پس از گذشت یک روز پرسشنامه‌های تکمیل شده را جمع‌آوری می‌کرد. چنانچه هر کدام از پرستاران تمایل به پر کردن پرسشنامه نداشتند به آنان این اختیار داده می‌شد که در این پژوهش شرکت نکنند، هم‌چنین به تمام شرکت کنندگان این اطمینان داده می‌شد که اطلاعات و یافته‌ها کاملاً محرمانه می‌باشد. نتایج مقاله پس از اتمام به اطلاع مسئولین ذیربط رسانده شد. پرسشنامه (پژوهشگر ساخته) مورد استفاده شامل مشخصات دموگرافیک (فردی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سوالات مربوط به آگاهی، نگرش و عملکرد پرستاران نسبت به پیوند بود. جهت تعیین اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد به این صورت که ابتدا پرسشنامه از طریق مطالعه کتب و نشریات علمی و پژوهشی بهتر و از چند تن از اساتید (۱۰ نفر از اساتید رشته پرستاری) در مورد پرسشنامه نظر خواهی شد و اصلاحات لازم انجام گردید. به منظور حصول پایایی پرسشنامه در این پژوهش از آزمون مجدد استفاده شد به این صورت که ابتدا پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از پرستاران تکمیل گردید و سپس ۱۰ روز بعد مجدداً توسط همان پرستاران

روند کاری مراقبت از بیمار مرگ مغزی رابطه معکوس و معناداری یافت گردید. این نشان می‌دهد که هر چقدر سن پرستاران بالاتر می‌رود و تجربه کاری بیشتری کسب می‌کنند شرایط سخت مرگ مغزی کمتر بر روند کاری آنها تاثیرگذار می‌باشد ($P < 0/05$). ولی بین سن و نظر پرستاران نسبت به تاثیر مثبت انجام پیوند در روند زندگی فرد رابطه مثبت و ضعیفی وجود داشت ($P < 0/05$). بین تاهل افراد و نظر آنها در مورد اثربخشی پیوند اعضا ارتباط معنی‌داری بدست نیامد، هم‌چنین بین تاهل آنها با مسایل روحی و روانی در روند کاری مراقبت از بیمار مرگ مغزی رابطه معنی‌داری وجود نداشت ($P = 0/90$). از پرستاران معتقد بودند که سختی مراقبت از بیمار پیوندی باعث کاهش انگیزه کار در آنها می‌شود و $54/7\%$ معتقد بودند که سختی کار تاثیری در انجام کار ندارد. $54/7\%$ نیز معتقد بودند که تعداد شیفت‌ها در ماه بر انگیزه آنها در انجام کار تاثیر ندارد، در حالی که $45/3\%$ معتقد بودند که تعداد شیفت‌ها می‌تواند در انگیزه کاری آنها موثر باشد. $51/6\%$ پرستاران معتقد بودند که درآمد ناکافی و حقوق کم می‌تواند باعث کاهش انگیزه‌های آنها به عنوان پرستار پیوند عضو می‌باشد. $72/7\%$ از پرستاران معتقد بودند که ارتباط نامناسب فرد هماهنگ کننده پیوند با افراد شاغل در این بخش روی انگیزه‌های آنها به عنوان پرستار پیوند عضو تاثیری ندارد. $13/6\%$ از پرستاران از همکاری گروه پیوند رضایت نداشتند و معتقد بودند که آنها رابطه خوب و همکاری با پرستاران پیوند ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری:

در مقاله حاضر پرستاران معتقد بودند که همکاری گروه پیوند با پرستار مسئول بیمار مرگ مغزی بایستی بطور کامل در محیطی صمیمانه انجام گیرد. هم‌چنین اکثر پرستاران معتقدند که تفاوت دیدگاه در مورد پیوند اعضا بعد از آموزش‌های لازم و کافی تاثیر مثبت دارد.

در سال ۱۳۸۲ تحقیقی در رابطه با نگرش پزشکان و پرستاران بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی ایران نسبت به پیوند عضو توسط طهور و پیری انجام شد که 67% افراد تحت بررسی پرستار و بقیه پزشک بودند. نتایج نشان داد که حدود 95% افراد تحت بررسی با پیوند اعضا از افراد مبتلا به مرگ مغزی موافق و

محیط کار نیز ندیده بودند و فقط $28/8\%$ از آنها دوره‌های آموزشی پیوند را در دانشگاه و یا خارج از دانشگاه گذرانده بودند. $19/7\%$ از پرستاران عقیده داشتند که انجام پیوند اعضا در روند زندگی فرد گیرنده تاثیر ندارد. $54/8\%$ معتقد بودند که انجام پیوند اعضا در روند زندگی فرد گیرنده تاثیر کمی دارد و $25/5\%$ پرستاران عقیده داشتند که انجام پیوند اعضا در روند زندگی فرد تاثیر بسزایی دارد. در خصوص دیدگاه کلی افراد در زمینه پیوند اعضا نتایج در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱: میزان درصد فراوانی دیدگاه کلی

دیدگاه افراد	فراوانی	درصد فراوانی
مخالف	۸	۱۲/۱
کاملاً موافق و بهتر است انجام شود	۱۱	۱۶/۷
موافق مبنی بر بهبود شرایط	۳۷	۵۶/۱
بی تفاوت	۱۰	۱۵/۱

60% از پرستاران معتقد بودند که پرستاران نقش مراقبتی بسیار زیادی در رابطه با بیمار مبتلا به مرگ مغزی که در مرحله اهدای عضو می‌باشد دارند در حالیکه $36/9\%$ اعتقاد داشتند که پرستاران نقش کمی در رابطه با بیمار در مرحله اهدای عضو دارند و $3/1\%$ معتقد بودند که پرستاران هیچ نقشی در رابطه با بیمار در مرحله اهدای عضو ندارند.

در مطالعه انجام شده 57% پرستاران تاثیر ارتباط نامناسب اعضای تیم پیوند را در کم شدن انگیزه خود در مراقبت از بیمار پیوند شده موثر نمی‌دانند و 43% این امر را موثر می‌دانند.

در پژوهش انجام شده $46/2\%$ پرستارانی که در رابطه با پیوند اعضا آموزش دیده بودند اعتقاد داشتند که نقش پرستاران در مراقبت از بیماران در مرحله اهدای عضو بسیار زیاد است. از سویی نتایج حاکی از آن بود که ارتباط معناداری میان نوع بخشی که پرستار در آن مشغول به کار است با نظر وی در رابطه با پیوند اعضا در بیماران مبتلا به مرگ مغزی وجود ندارد. هم‌چنین ارتباطی میان جنسیت پرستاران با طرز فکر آنها در مورد پیوند و روند مراقبت از بیمار مرگ مغزی نیز مشاهده نشد. بین سن پرستاران و تاثیر مسایل روحی و روانی در

افزایش تجربه کاری و ارتباط با گیرندگان عضو قبل و بعد از دریافت عضو می‌تواند از طریق افزایش آگاهی، نگرش مثبت را در بین کارکنان تقویت نماید [۱۰].

نتایج پژوهش ما نشان داد که نوع بخشی که پرستار در آن مشغول به کار است با نگرش وی در رابطه با پیوند اعضا ارتباط معنی‌داری وجود ندارد، این تفاوت می‌تواند ناشی از آن باشد که تمامی پرسنل در بخش‌های مختلف این مرکز به نوعی در فرایند یک پیوند درگیر بوده و بنابراین نگرش افراد در رابطه با پیوند در بخش‌های مختلف تقریباً به یک صورت می‌باشد.

بنابراین بهبود شرایط محیط کار و افزایش آگاهی افراد می‌تواند در بهبود نگرش آنان در مورد پیوند اعضا موثر باشد.

چنانچه هر کدام از پرستاران تمایل به پر کردن پرسشنامه نداشتند به آنان این اختیار داده می‌شد که در این پژوهش شرکت نکنند، همچنین به تمام شرکت کنندگان این اطمینان داده می‌شد که اطلاعات و یافته‌ها کاملاً محرمانه می‌باشد. از نقاط ضعف این پژوهش عدم همکاری شرکت کنندگان در تکمیل دقیق فرم‌های پرسشنامه می‌باشد. از نقاط قوت این پژوهش همکاری و تشویق مسئولین در رابطه با انجام پژوهش می‌باشد.

پیشنهادات آتی بررسی تاثیر آموزش به کارکنان و خانواده اهدا کننده در رابطه با فرایند پیوند اعضا می‌باشد.

تقدیر و تشکر:

در پایان از همکاران عزیز خانم تمدنی‌فر و خانم شوکتی که در انجام این تحقیق ما را یاری نمودند کمال تشکر را به جا می‌آوریم.

منابع:

- 1) OrgansSelling.com [Internet]. Organ selling [Update 2006 Sep. 26; Cited 2014]. Available from: <http://www.organselling.com/static.htm>
- 2) Arjomand B, Aghayan HR, Goudarzi P, Emami Razavi SH, Jafarian A. Knowledge and attitudes about organ donation and tissue donation card makers and tissues in the tissue bank of Iran (case/control). Journal of Medical Council Of Islamic Republic of IRAN. 2008;26(1):30-35.
- 3) O'Conner KJ, Ewood KE, Lord K. Intensive management of organ donors to maximize transplantation. 2006;26(2):94-100.
- 4) Huang J. Ethical and legislative perspectives on liver transplantation in the People's

بقیه مخالف بودند که مهم‌ترین دلایل موافقت با پیوند اعضا ۲۴/۴٪ نجات گیرنده عضو و ۱۷/۹٪ عملی انسان دوستانه و ۱۰/۴٪ تداوم حیات بود و مهم‌ترین دلایل مخالفت با پیوند عضو ۳۵/۳٪ مسایل شرعی، ۱۷/۶٪ مخالفت خانواده‌ها بود [۱۱].

در مطالعه حاضر ۱۲/۳٪ پرستاران در رابطه با پیوند اعضا در بیمار مبتلا به مرگ مغزی کاملاً مخالف هستند و ۱۷/۶٪ از آنها با پیوند اعضا کاملاً موافق بودند و یا معتقد بودند که بهتر است انجام شود. الباقی شرکت کنندگان نظرات متفاوتی همچون موافقت در صورت بهبود شرایط و بی‌تفاوت، نسبت به پیوند اعضا دارند. این نتیجه می‌تواند بدلیل تفاوت در شرایط موجود و یا نوع پرسشنامه ایجاد گردیده باشد. اما آنچه که پیداست میزان موافقت افراد در رابطه با پیوند اعضا با در نظر گرفتن بهبود شرایط موجود افزایش می‌یابد.

همچنین در مطالعه‌ای دیگر که توسط Siminoff در سال ۲۰۰۱ انجام گرفت، نتایج بررسی‌ها نشان داده است که در ایران تنها نیمی از پزشکان درباره اهدای عضو و قوانین مربوط به آن آگاهی کافی داشته‌اند و بین آگاهی و نگرش مثبت آنها نسبت به اهدای عضو رابطه معناداری وجود داشت ($P < 0.001$) [۶].

در مطالعه مروری که توسط عباسی و پیمان در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است، پژوهشگر با مطالعه مقالات مختلف به این نتیجه رسیده است که اهدای عضو یک تصمیم دشوار و پیچیده برای فرد و خانواده است. در این فرآیند، آگاهی و نگرش مثبت و اعتماد به نفس پزشکان و پرسنل بخش‌های ویژه، آگاهی و نگرش مثبت خانواده و فرد و پرکردن کارت اهدای عضو، فرهنگ جامعه، قوانین موجود، نگرش جامعه نسبت به این موضوع و مسائل اجتماعی و اقتصادی موثرند. آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که برنامه‌های آموزش همگانی برای تمام افراد جامعه در جهت تقویت آگاهی و نگرش مثبت آنها می‌تواند باعث جلب اعتماد مردم شود [۷].

در انتها می‌توان تحقیق انجام شده در سال ۱۳۷۴ توسط نیازی را نیز نام برد که اشتغال در بخش‌های خاص نظیر بخش داخلی که با گیرندگان عضو (قبل از دریافت عضو) در ارتباط کمی بین کارکنان و بیماران وجود دارد، نگرش منفی بصورت بارزتری مشاهده گردیده است. بنابراین

- Republic of China. Liver Transplantation Journal. 2007;13(2):193-196.
- 5) A Erin Ch, Harris J. An ethical market in human organs. Journal of Medical Ethics. 2003;29:137-138.
 - 6) Siminoff L.A. Organ donation. study identities factor associated with families consent. Blood Weekly Atlanta Journal. 2001;9:19-20.
 - 7) Abasi Z, Peyman A. Evaluation of brain death and organ transplantation in Iran. The Iranian Journal of Medical Law. 2012;6(20): 43-54.
 - 8) Core.org [Internet]. Pittsburgh: Center for Organ Recovery & Education [updated 2014; cited 2014]. Available from: <http://www.core.org/understanding-donation/know-the-facts/>
 - 9) Pearson Y, Baseley P, Spencer-Plane T, et al. A survey of families of brain dead patients: their experiences, attitudes to organ donation and transplantation. Anaesthesia and Intensive Care. 1995;23:88-95.
 - 10) Niazi M, Shirazi M. The role of social and cultural factors on organ donation among citizens Kashan. Journal of Contemporary Sociology. 2010;2(2):50-82.
 - 11) Zohoor AR, Piri Z. Attitudes of doctors and nurses in intensive care units in hospitals of Iran University of Medical Sciences toward organ donation in brain death. Journal of Research in Health Sciences. 2011;39(11):97-105.